خبر

۶ ماه تا ۲ سال حبس برای ورود غیرمجاز پروژه‌های عمرانی به معابر

● **ایسنا:** روز گذشته فرمانده یگان عملیات پلیس راهور پایتخت از نظارت پلیس بر پروژه‌های عمرانی در سطح معابر خبر داد؛ طرحی که مدیر دفتر نظام ایمنی و مهندسی ترافیک به تشریح آن پرداخته و از مجازات حبس شش ماه تا دو سال برای متخلفان خبر داده است. امیرحسین بیک‌زاده دراین‌باره گفت: برابر ماده ۲۱۱ و ۲۱۲ آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی تمامی پیمانکاران که روی راه عمومی کار و فعالیت می‌کنند موظف‌اند پیش از هرگونه اقدام و آغاز فعالیت، مراتب را به پلیس راهنمایی و رانندگی اطلاع دهند و پس از اخذ مجوزها و تأییدیه‌های لازم و اطلاع‌رسانی به شهروندان، مجوز خود را دریافت کنند. در این مجوز پلیس راهور مدت و ساعات فعالیت را مشخص کرده و باید بر اساس آن اقدام شود. وی ادامه داد: همچنین برابر ماده هفت آیین‌نامه ایمنی راه و راه‌آهن، کسانی که موارد قانونی را رعایت و مجوزهای لازم را دریافت نکنند، در صورت وقوع حادثه یا مشاهده پلیس، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد. مدیر دفتر نظام ایمنی و مهندسی ترافیک با تاکید بر اینکه پلیس راهور مدت و زمان اجرای پروژه را تعیین می‌کند، افزود: پیمانکار موظف است در زمان و ساعاتی که پلیس راهور مشخص کرده است، فعالیت کند و در موعد مقرر پروژه را به اتمام رساند و اگر مدت پروژه نیازمند تمدید باشد، باید پیش از اتمام زمان مجوز درخواست خود را ثبت کند.

ارائه تسهیلات جدید به مشمولان اعزام به خدمت متأهل

● **شرق:** جانشین رئیس سازمان وظیفه عمومی ناجا از ارائه تسهیلات جدید به مشمولان و سربازان متأهل در راستای خوشایندسازی خدمت سربازی خبر داد. سردار ابراهیم کریمی درباره تسهیلات جدید ارائه‌شده به مشمولان و سربازان متأهل گفت: این افراد پس از فراغت از تحصیل با مراجعه به دفاتر خدمات الکترونیک انتظامی (پلیس +۱۰) می‌توانند با ثبت درخواست اعزام به خدمت، تاریخ اعزام را به انتخاب خود تا موعد قانونی آن تعیین کنند که این محدوده زمانی، یک سال است؛ این در حالی است که قبلا شیوه اعزام به این صورت بود که هر زمان که مشمول خود را معرفی می‌کرد، در اولین فرصت به خدمت اعزام می‌شد، اما اکنون به منظور اعمال خواسته مشمولان، امکان تعیین زمان اعزام تا موعد قانونی اعزام به خدمت توسط خود مشمول فراهم شده است. کریمی با بیان اینکه تعیین زمان اعزام به خدمت سربازی توسط مشمولان، امکان تنظیم برنامه زندگی را به افراد می‌دهد تا بر اساس انتخاب خودشان در زمان مناسب به سربازی اعزام شوند، گفت: سازمان وظیفه عمومی ناجا در راستای به‌کارگیری تخصصی سربازان، امکان ثبت توانمندی‌ها و تخصص مشمولان را فراهم کرده است. همچنین مشمولان کارشناسی و بالاتر می‌توانند در زمان ثبت درخواست اعزام به خدمت در دفاتر خدمات الکترونیک انتظامی (پلیس +۱۰) رزومه خود را ارائه کنند تا براساس توانمندی و تخصص به‌کار گرفته شوند. جانشین رئیس سازمان وظیفه عمومی ناجا در تشریح تسهیلات اعطاشده به سربازان متأهل از سوی مقام معظم رهبری مبنی بر به‌کارگیری سربازان متأهل در شهر محل سکونت همسر، گفت: مشمولان متأهل در ابتدای ثبت درخواست اعزام به خدمت باید مشخصات تأهل خود و شهر موردنظر را در سامانه دفاتر ثبت کنند.

کمبود تخت آی‌سی‌یو در کردستان

● **ایلنا:** نماینده کردستان در شورای‌عالی استان‌ها با اشاره به اینکه کردستان به دلیل کوهستانی‌بودن بسیار تصادف‌خیز است، گفت: به دلیل اینکه جاده‌ها بهسازی نشده‌اند، تصادفات در این منطقه زیاد است و فوریت‌های پزشکی استان معمولا نمی‌توانند جواب‌گوی سوانح راه‌ها باشند. احمد چوپانی؛ نماینده دیوان‌دره استان کردستان در شورای‌عالی استان‌ها اظهار کرد: مشکل مهم مردم کردستان کمبود پایگاه‌های فوریت‌های پزشکی در سطح استان است که واقعا جواب‌گوی نیازهای مردم استان نیست و به دلیل اینکه فاصله مناطق روستایی تا شهرها زیاد است، مشکلات عدیده‌ای از نظر مراکز فوریت‌های پزشکی وجود دارد و این مشکلات در دیوان‌دره، تکاب و سایر بخش‌ها کاملا محسوس است. وی با اشاره به اینکه در شهرستان دیوان‌دره در بخش نوزادان EN ICU وجود ندارد و تخت بستری هم حتی به تعداد کافی نیست و معمولا مردم باید به تبریز، ارومیه و سقز بروند، گفت: حتی در خود استان هم تخت کم است و فقط در شهر سنندج یک بیمارستان داریم که بیمارستان بعثت است و یک بیمارستان نیز در سقز است که این بیمارستان‌ها نیز با کمبود تخت روبه‌رو هستند و بیماران مجبورند به استان‌های هم‌جوار بروند. چوپانی گفت: در بخش ICU در دیوان‌دره نیز تنها دو تخت وجود دارد که این شهرستان نسبت به بیجار و مریوان به مرکز استان نزدیک‌تر است و اگر این دو تخت پر شود، معلوم نیست که مردم چه باید بکنند.

آسیب‌های اجتماعی؛ نان‌دانی حوزه‌های متولی

ادامه از صفحه ۱۶

من این را بارها گفتم، برزیل در بالاترین و قوی‌ترین طرح حمایت اجتماعی که الان به‌عنوان انقلاب خاموش از آن یاد می‌کنند، در ۱۰ سال، ۱۰ درصد کار کودک را کاهش داده است. اما نکته سوم؛ من با فسادی که خانم رحیمی می‌گوید، موافق هستم. البته فقط در ایران نیست. شما باید بروید تحلیل کنید. در اکثر کشورها فساد یکی از موانعی است که باعث می‌شود سیاست‌ها موفق نباشند. فساد در دولت است، در رسانه است، در اِن‌جی‌اوها هم هست. من می‌خواهم بپرسم در کدام رسانه‌ها پیشنهاد سیاستی مشخص که آقا این کار را انجام دهید، روی میز آمده است؟ یا حداقل من ندیدم یا کم بوده است. دلیلش چیست؟ دلیلش این است که ما به تجربه یاد گرفتیم با تاکتیک کی بود، کی بود، من نبودم، پیش رویم؛ یکی از بهترین بازی‌هایی که همیشه جواب داده است. اقداماتی که انجام شده است، حداقل در دو دهه گذشته بی‌نظیر بود. ما وقتی شروع کردیم، آمار کودکان بازمانده از تحصیل را نداشتیم. شما وقتی به کودکان کار می‌رسید، دوستان می‌دانند، می‌گویند یکی از علت‌ها، بازماندگی از تحصیل کودکان است. ما ۱۸ مصاحبه جمع کردیم، ۱۸ عدد مختلف راجع به بازماندگی از تحصیل کودکان ارائه شده است. خب خانم هاشمی شما چطور می‌خواهی ورود کنی؟ وقتی عدد بازماندگی از تحصیل را از عدد ۱۷۰ هزار تا به سه میلیون نفر اعلام می‌کنند. خب شما امکان سیاست‌گذاری ندارید. ما امروز موفق شدیم این معضل را کنترل کنیم.

اصلا موافق هستید که در این دوره کاری در حوزه کودک کار انجام شده؟

کردونی: ما امروز می‌توانیم به شما اعلام کنیم در دو سال گذشته چه تعداد کودک برگشته‌اند مدرسه و فهرستشان را به شما بگوییم و بروید تحقیق کنید. عددش زیاد نیست؛ اما کاری بوده که با همت همه انجام شده است و یک نکته مهم‌تر این است که من خواهشی که از دوستان دارم، هم در NGOها و هم در رسانه‌ها؛ ما مشکل داریم. ایران، تهران نیست. این خیلی مهم است. نقص من در بعضی داستان‌ها این است (که حالا دوستانی که در جمعیت امام علی(ع) در شهرستان‌های مختلف کار می‌کنند، می‌توانند بگویند). شما نمی‌توانید فقط به موضوعی توجه کنید که جلوی چشمتان است.

شما الان گفتید یک‌سری کودک را دوباره فرستادید مدرسه. دو تا مسئله وجود دارد. ما مثلا زن‌ها و مردهای معتاد را می‌فرستیم مراکز ترک اعتیاد، بعد به ما خبر می‌دهند که ۷۰ درصد از افراد دوباره معتاد شدند. این زن‌ها چون فکر اساسی به حالشان نشده، دوباره برمی‌گردند دروازه‌غار، یعنی می‌گویند خوب شدیم و خدانگهدار و دوباره برمی‌گردند دروازه‌غار و... علاوه بر اینکه این بچه‌ها رفتند مدرسه، شما مطمئن هستید که این مدرسه‌رفتن موقت نیست، این مدرسه‌رفتن از ترس چوب بالای سر خانواده نیست و اینها سال دیگر هم می‌روند مدرسه؟ باشد که مداوم به این ماجرا رسیدگی شود.

کردونی: با یک بخش سؤالتان موافقم و با بخش دیگر مخالفم. با این رویکرد شما هیچ سیاستی نباید انجام شود؛ چون با این رویکرد ما نباید به بحث بهبود معتادان برویم؛ چون همین الان آمار می‌گوید ۸۰ درصدشان برمی‌گردند یا مثلا در بحث ایدز هرجا ورود کنید، این سؤال شما وارد است؛ یعنی شما هر اقدامی بخواهی بکنی، بعدش چه؟ این بخش سؤال شما کمی حوزه‌اش تئوریک است. حوزه سیاستی به من می‌گوید شما موظفی مداخله بکنی برای حمایت اجتماعی، اما آنجایی از بحث شما درست است که موقعی که شما مداخله می‌کنی، آیا مجموعه جامع داری، یک حرف است. ما الان می‌توانیم به شما بگوییم آن کودکانی که رفته‌اند، وضعیتشان چیست. آیا هنوز می‌روند، آیا آمده‌اند بیرون؟ اگر آمده‌اند بیرون، چرا؟

رحیمی: من یک مقدار با آقای دکتر تفاوت دیدگاه دارم درباره کل‌گرایی و جزءگرایی. نکته‌ای وجود دارد. از دیدگاهِ منِ NGO مثلا CBO که دارم در یک کانون کوچک کار می‌کنم و از دیدگاه یک دستگاه متولی. ما الان بحث کودکان کار را تحقیق می‌کردیم در کل ایران به عنوان جغرافیای کار کودک و این تحقیقمان را هم ما گفتیم وجود دارد و می‌شود به آن مراجعه کرد و متأسفانه تا الان طالب نبوده است. در این تحقیق ما نوع کار کودک را در مناطق مختلف ایران بررسی کردیم. متأسفانه آن چیزی که ما به آن می‌گوییم مظاهر خطرناک کار کودک، در مناطقی وجود دارد که نه NGO ای است، نه رسانه‌ای است و نه دوربینی است؛ یعنی بزرگترین ظلم‌ها به بچه‌هایی می‌شود که هیچ‌کس آنها را نمی‌بیند. خب ما اگر یک پلان کلی نداشته باشیم، مگر می‌شود یک دستگاهی پیدا شود؛ بله، بعد از اینکه ما یک برنامه‌ریزی استراتژیک کلی کردیم برای قضیه؛ می‌دانیم در زمینه کار کودک در بعضی مناطق چه اتفاقی می‌افتد. بعد از شناخت اولویت‌بندی کردیم و گفتیم اولویت اصلی ما سیستان‌وبلوچستان است. بعد می‌آییم هدف‌گذاری می‌کنیم و می‌گوییم هدف من این است که امسال از تعداد کودکان کار سیستان‌وبلوچستان که مثلا ۱۰۰ نفر هستند الان در این روستا، نصف اینها را کم کنیم. یکی این نکته است و نکته دیگر اینکه ما بیاییم مسئله را زنجیروار ببینیم. یک مقدار بوروکراسی بخش دولتی فکر می‌کنم این قضیه را خیلی محدود می‌کند.

کردونی: یعنی شما مخالف این هستید که بچه‌ها باید بروند مدرسه؟

رحیمی: من مخالفش نیستم، من می‌گویم این کف قضیه است. این مسئله به این صورت حل نمی‌شود... مثلا یک چیز بزرگی داریم، بیاییم از آن یک مجموعه کوچک در نظر بگیریم، بگوییم این هدف را وقتی رسیدم، وقتی این زنجیره‌های بعد و قبلش به نوعی اصلاح نشده یا ترمیم نشده، این راه موقت بلافاصله به آن سمت خودش می‌کشد و مثل این است که یک کش را کشیدیم و نگه داشتیم و وقتی ولش کنیم، برمی‌گردد سر جای خودش یا همان صحبتی که شما می‌کنید و می‌گویید معتادان ۸۰ درصد برمی‌گردند، به نظر من خیلی وقت‌ها دارد کار بیهوده‌ای انجام می‌شود؛ یعنی یک ناندانی است برای یک‌سری از NGOنماها یا مثلا بعضی از بخش‌های دولتی. اگر که ریشه‌ای به مسئله نگاه نشود، یعنی ما وقتی...

کردونی: چون بحث در بحث می‌آید، من می‌خواهم یک مقدار روشن‌تر بشود. ریشه‌ای یعنی چه؟ من معتقدم نباید کلی‌گویی کنیم.

رحیمی: خوب است، من می‌توانم جزئی‌گویی کنم. ۲۰ سال است گشته‌ایم در کف خیابان و وقتی می‌گویم ریشه‌ای، بحث من کلی‌گویی نیست. بچه‌هایی که من با آنها کار کرده‌ام، خیلی از آنها دانشجو هستند و بچه دارند. نه اینکه مثلا بگویم من کلی‌گویی و چهار تا کتاب خوانده‌ام و بخواهم بیایم اینجا ارائه کنم. این مسئله فرض کنید اعتیاد؛ اینکه چرا این آدم‌ها به این مرحله اعتیاد رسیده‌اند، جواب‌گوی آن درصد موفقیتی است که ما بعد از ترک فیزیکی خواهیم داشت. اینکه چرایی این مسئله، چرا این بچه‌ها وارد این کار شده‌اند، چرا محروم از تحصیل شده‌اند؟ اگر به این چرایی نپردازیم، این چرایی وقتی که حل نشود، من الان بیایم به صورت مسکن بگویم این بچه هر روز می‌آید در NGO ما درس می‌خواند، وضعیت مددکاری خانواده به ما ربطی ندارد، اعتیاد پدرش به ما مربوط نیست.

کردونی: حالا خوب است که سر فرصت بهتر بیشتر با هم صحبت کنیم. در بخشی از این با شما هم عقیده نیستم. وقتی که ما آمدیم این طرح کودکان بازمانده از تحصیل را اجرا کنیم، در مرحله اول فقط می‌توانستیم آن را برای کودکان ایرانی اجرای کنیم؛ آنهایی که شناسنامه یا کارت هویت دارند، چون آموزش‌وپرورش باید بپذیرد. برخی از دوستان می‌گفتند این تبعیض است و ظلم به کودکان غیرایرانی و بدون شناسنامه است. من می‌گفتم بله، ولی اگر انجامش ندهیم، ظلم به این کودکان ایرانی شناسنامه‌دار هم است، چون ما کاری را برای بخشی می‌توانیم انجام دهیم، درحالی‌که شما به غلط می‌گویید یا برای همه انجام بده یا برای هیچ‌کس انجام نده. ما برای حل مسائل اجتماعی اگر بخواهیم بنشینیم یا داستان را همه‌اش را حل کنیم یا هیچ ورودی نکنیم، هیچ‌وقت مسئله حل نمی‌شود.

رحیمی: نه، من صحبت دیگری دارم. نظرم این است که فکر شما شبیه مدیرکل آسیب‌های اجتماعی سوئیس است، ولی جامعه ما الان جامعه‌ای بحران‌زده است، جامعه‌ای نیست که ما بخواهیم بخشی از معضل را حل کنیم و نیاز به مدیریت بحران دارد.

بنی‌هاشم‌نژاد: من توقع دارم آقای کردونی به عنوان دبیرخانه شورا، گوش آموزش‌وپرورش را بپیچاند و بگوید مسئولیت آموزش و بازماندگی با توست، تو باید بروی متولی شوی. من نهاد ناظرم، یک نماینده می‌گذارم، می‌روم NGOها و منابعش را تأمین می‌کنم. من متولی نیستم. من می‌گویم اشکال به نحوه ورود است. آن چیزی که خانم رحیمی می‌گوید و یکی از دغدغه‌های ماست، این است که مرجعی بگوید پدیده کودک کار یعنی این، ۲۰ درصدش برای بازماندگی است.

کردونی: همه‌جای دنیا سیاست‌ها وقتی موفق می‌شوند که صورت‌مسئله روشن باشد، راهکارها دقیق و واقعی تدوین شود، ارزیابی و نظارت در اجرا وجود داشته باشد و بین بخش‌های مختلف دولت و همچنین دولت و حوزه عمومی مانند دانشگاه و سازمان‌های مردم‌نهاد هماهنگی وجود داشته باشد. ما در بحث کودکان ورود کردیم، نشستیم دور هم و در جلسه‌ای که همه دوستان حاضر بودند، ۳۰، ۴۰ نفر از دوستان سمن‌ها بودند؛ دانشگاهی و NGOها. من به عنوان سیاست‌گذار چیزی را باید مدنظر داشته باشم. تا وقتی که ما بازماندگی از تحصیل داریم، پرداختن به مسئله کودکان کار، پرداختن به معلول است. این حرفی بود که همه دوستان زدند. **بنی‌هاشم‌نژاد:** من می‌گویم جنس سیاست. اتفاقا وقتی دولت تصمیم می‌گیرد، به جای اینکه بیاید خرد شود در اثرات کوچک، یک جایی تصمیم می‌گیرد که یهویی... من می‌گویم گزارش این اقدام را دربیاوریم که ببینیم چه اتفاقی افتاد. من به عنوان یکی از مشارکت‌کنندگان در این طرح خودزنی می‌کنم و می‌گویم این طرح نه ناظر درست و نه اجرای درست داشت، نه چون درواقع چهارسویش در قالب یک آیین‌نامه نمی‌توانست باشد و این بده‌بستان‌هایی لازم داشت که درواقع اجرا نشد.

کردونی: این طرح، طرحی بود که پایلوت اجرا شد. اتفاقا این جزء طرح‌هایی بود که نظارت و ارزیابی‌اش هم دیده شد.

بنی‌هاشم‌نژاد: چرا نرفتید این قضیه را به آموزش‌وپرورش بگویید که ما بتوانیم مسائلمان را با آموزش‌وپرورش که عوامل بازمانده...

کردونی: ما این طرح را استارت زدیم، به یک نقطه‌ای رساندیم، حساسیت عمومی ایجاد کردیم، سازمان مدیریت درگیر شد و الان این چیزی که شما می‌گویید، اتفاق افتاده است.

بچه‌ای در کوره‌پزخانه پاکدشت کار می‌کند، تا ۱۵ سالگی‌اش مثل بچه‌های دیگر از درخت برود بالا. من می‌گویم یک گروه زن معتاد را می‌بینم، ۵۰۰ میلیون تومان هم پول می‌دهند می‌گویند اینها را ببر ترک بده، ترکشان می‌دهند و دوباره معتاد می‌شوند. مثلا در بحث کمپ شفق گفتند حالا یک کار خیلی مهمی که کردیم، این بوده که این زن‌ها را دوباره برگرداندیم به خانواده‌شان. یعنی همان آدمی که دخترش از او فرار می‌کرده، دوباره تحویلش دادند به او، یا همان مردی که زنش را می‌فروخته، دوباره بردند تحویلش دادند به او. من می‌گویم این بچه‌های بازمانده از تحصیل را به جای اول اینکه ببریم مدرسه، ببینیم چه شده که بازمانده از تحصیل شده اند.

رحیمی: فرض کنیم در سیستان‌وبلوچستان که خیلی بچه بازمانده از تحصیل داریم، به‌ویژه دختران؛ یکی از موانعی که آنجا برای تحصیل دختران وجود دارد، اعتقادات سنتی است و آن‌قدر وضع آن خانواده‌ها از نظر اقتصادی و معیشتی دچار مشکل است که پدری حاضر است آنجا ۳۰ هزار تومان در ماه بگیرد، اجازه دهد دخترش برود مدرسه. یعنی در سیستم سنتی بسیار کارآمد است. ولی در تهران چه مشکلی دارم؟ پدری که شیشه‌ای است، مادری که نشسته است در خانه، پدری که هر آن ممکن است سر بچه‌هایش را ببُرد یا اینکه به دخترش تجاوز کند. مادر بچه‌ها را می‌فرستد بیرون برای اینکه این بچه‌ها دوروبر این پدر نباشند، من خیالم راحت است. من اگر یک میلیون هم در این خانواده هزینه کنم، مسئله حل نمی‌شود. یعنی ریشه این مسئله با ریشه آن مسئله متفاوت است.

کردونی: اصلا من نمی‌گویم ما فقط باید به بازماندگی از تحصیل کودکان بپردازیم. اگر کسی چنین تحلیلی از صحبت‌ها یا اقدامات ما دارد، اشتباه است. ما وقتی شروع کردیم، چند حوزه را در بحث کودکان نشانه‌گذاری کردیم. مسائل حقوقی‌شان، بحث شناسنامه‌های کودکان بی‌هویت بود؛ چون آن چیزی که ما بررسی کردیم، یکی از چالش‌ها این بود و تا این چالش حل نمی‌شد، خیلی از مشکلات باقی بود. دوم مسائل بهداشتی و بیمه‌ای آنها و سوم مسائل آموزشی‌شان. ما در این وضعیت در حالی شروع به کار کردیم که هیچ‌چیزی دستمان نبود. یعنی وقتی شما جایی می‌آیی، به شما می‌گویند آقا یک آمار اینجاست و مداخله قبلی را ادامه بده. هدف ما این بود که حساسیت ایجاد کنیم و کاملا موفق شدیم.

رحیمی: ببخشید آقای کردونی! ما الان داریم در حوزه کودکان کار، فعالیت می‌کنیم. تمام کارهایمان همان‌طوری است که شما می‌گویید. یعنی با من بمیری، تو بمیری و خواهش می‌کنم، این‌دفعه آقای امیدوار رضایی تو را جان مادرت بیا این دو تا بچه را بپذیر، کار درست نمی‌شود. اگر یک پروتکل نوشته شود، با اینکه مدام من بروم خواهش و تمنا کنم و ریش گرو بگذارم، این دو معنایش یکی است؟

کردونی: آیا ان‌جی‌اوها آمادگی دارند که دانششان را در اختیار ما بگذارند که با هم کار کنیم؟

بنی‌هاشم‌نژاد: بله. اولین‌باری که شهرداری آمد در منطقه، گفتم یک کارگاه مشترک بگذار، تمام تجربیاتمان را می‌آوریم در مثلا منطقه ۱۲، شما منابعت را بیاور، یک برنامه مشترک. من به شما می‌گویم آقای کردونی! من از شما انتظار دارم به‌عنوان یک فعال اجتماعی که بیش از هر چیز، سیاست‌گذار باشید؛ یعنی بیایید بگویید برنامه وزارت رفاه در حوزه کاهش کار کودکان برای سال ۹۶ این است. خانم بنی‌هاشمی، خانم رحیمی! الان پیشنهاد دومم به شما این است که از الان شروع کنیم و تا آذرماه با هم یک مسیر فشرده را برویم و برای سال ۹۶ یک برنامه مشترک درآوریم.

کردونی: ما به‌زودی گزارشی را منتشر و برای اولین‌بار در کشور، برای هر شهرستان ۱۰ شاخص اجتماعی را به تفکیک اعلام خواهیم کرد. شما وقتی می‌گویید مداخله، خانم بنی‌هاشمی! مداخله محتاج تصویر است؛ یعنی اگر شما ندانید فضای کارت چیست، چطور می‌خواهی مداخله کنی... .

بنی‌هاشم‌نژاد: من در منطقه ۱۲ امکان دارم، ۱۵ دارم، بم هم داشتم. شهرداری آمده بچه‌های کار را در بم جمع کند، رفتیم جلویش گفتیم نکن، مددکار من رایگان دست تو، ماشین هم برایش می‌گیریم، شمای کارشناس بهزیستی هم بنشین داخلش، شناسنامه کودکان کار را جمع کنیم. خب من این‌قدر می‌توانم این کار را پوشش بدهم. ما اطلاعات شهر تهران را چگونه جمع کردیم؟ با بردن یک پک در خیابان از تک‌تک بچه‌ها اسم و شماره و آدرس گرفتیم و رفتیم شناسایی کردیم. ما این اطلاعات را داریم، وظیفه‌مان هم نبوده، متولی‌اش هم نبودیم، ولی وقتی می‌بینیم اطلاعات نداریم و نمی‌توانیم کار کنیم... ما خیلی گفتیم این اطلاعات را داریم، ولی کسی از ما نخواسته است.

کردونی: بیایند بنشینند و اطلاعاتشان را بیاورند، ما آماده‌ایم با همین مجموعه‌ای که ایشان دارند، با مشورت دوستان مداخله تعریف کنیم. خوب است دیگر؟ شما الان اطلاعاتی را در سراسر کشور دارید. ما الان در ۵۰ حاشیه کشور داریم مداخله تعریف می‌کنیم؛ حواشی شهرهای کشور.

رحیمی: ببخشید آقای کردونی! خیلی عذر می‌خواهم که این‌قدر صریح می‌گویم. وقتی مدیر شما به حرف شما گوش نمی‌کند، وقتی شما دستور می‌دهید و مدیر شما به حرف شما گوش نمی‌کند. آن ۵۰ حاشیه‌ای که شناسایی کردید و الان می‌خواهید در آن مداخله کنید.

کردونی: معمولا مدیرانم به حرفم گوش می‌کنند، ولی با این تفکر شما هیچ کاری نباید انجام دهیم. من هم می‌توانم به شما بگویم شمایی که ادعا دارید دولت به حرفتان گوش نمی‌کند، چرا این کار را می‌کنید؟ فراموش نکنید اگر قرار است موفقیتی حاصل شود، فقط در گرو همدلی، همراهی و هماهنگی اضلاع مثلث است ولاغیر...

بنی‌هاشم‌نژاد: خانم رحیمی ما به آقای دکتر می‌گوییم اطلاعات نداری، شما می‌گویی من اطلاعات دارم. آقای کردونی می‌گوید اطلاعاتت را بردار و بیاور و با هم یک الگوی مداخله در می‌آوریم.

بنی‌هاشم‌نژاد: الان شما آماده‌اید در اولین گام با هم این نقشه را کامل کنیم؟

کردونی: با پیشنهاد شما که می‌گویید ما سیاست مواجهه با بحث کودکان کار و خیابان را بنویسیم، صددرصد موافقم، کاملا موافقم و بخشی از آن اجرا شده و در جلسه شورای عالی رفاه نیز مطرح و مصوب شده است.

یک‌سری متولیان دیگر هم ماجراها دارد. بهزیستی، شهرداری و... الان وضعیت آنها چگونه است؟ من یادم است یک بار آقای میمندی‌نژاد به من می‌گفت بهزیستی برای سبدهایی که می‌دهد، این کسانی را که می‌آیند می‌فرستد به جمعیت امام علی(ع) یا بن کالاهایی که قرار است بهزیستی بدهد، درحالی‌که شما ان‌جی‌او هستید. الان این بچه‌ها هزینه‌هایی که شهرداری دارد می‌کند برای بحث پلاکارد جنوب شهر و آمارهایی که می‌دهد. شما الان بده‌بستان‌هایتان با مکان‌هایی مثل بهزیستی، شهرداری و وزارت کشور چگونه است؟ چه کار می‌کنند؟ چگونه است اوضاع؟ شما فکر می‌کنید نهادها به کارهایی که باید، می‌رسند؟

رحیمی: نکته‌ای که خیلی مهم است، این است که شهرداری یک شرح وظایف مکتوب دارد. خیلی وقت‌ها می‌بینیم که آن شرح وظایف مکتوب کاملا مسکوت مانده است. واقعا در خیلی از مناطق، می‌بینیم علت خشونتی که بین بچه‌ها وجود دارد و اتفاقات بعدی که قتل و کانون اصلاح و تربیت است، این است که تفریح در منطقه وجود ندارد. از منطقه ۱۲، پاکدشت و... شما هر روز می‌بینید که خبر جدیدی می‌رسد. ما چهار تا بچه در پاکدشت داریم، یک مرد ۵۰ ساله به آنها گفته بیایید در خانه‌ام تا برایتان کارتون بگذارم و به آنها تجاوز کرده است. یعنی جایی نبوده که این بچه برود و کارتون ببیند و این بچه‌ها رفته‌اند و مورد تجاوز قرار گرفته‌اند. یک مجتمع تفریحی - فرهنگی در این مناطق وجود ندارد که بتواند این بچه‌ها را جلب کند، به آنها هدف و ایده بدهد. اگر شهرداری در این بخش خوب کار می‌کرد، واقعا مکمل فعالیت‌های ان‌جی‌اوها بود. به جای آن الان شهرداری مستقیم وارد حوزه آسیب‌ها شده؛ مثلا برنامه‌های نمایشی در سطح شهر برای کودکان کار و... خوب است، به شرطی که پتانسیل در بدنه شهرداری موجود باشد. کارمند شهرداری که در زندگی‌اش یک جمله درباره معضلات اجتماعی نخوانده و اطلاعاتی ندارد، موظف می‌شود در یک طرح به این کودکان خدمات بدهد. روحیه کار نظارت بر آسفالت یک خیابان با کارکردن با کودکان، کاملا متفاوت است و اینجا هم همان مسئله کادر فرسوده و غیرمتخصص و بدون عرق مطرح است که عملا بسیاری از اقدامات را بی‌فایده می‌کند.

کردونی: درباره موضوع بازماندگی از تحصیل بسیار شفاف عمل کردیم و به همین دلیل امروز دوستان اطلاعات کامل دارند و می‌توانند نقد کنند. دوستان ان‌جی‌او در جزئیات کامل طرح و میزان اعتبارات، حتی نحوه توزیع و ارزیابی آن هستند؛ به همین دلیل امکان دارند که آن را نقد کنند و این نقدها برای ما هم کارساز و ارزشمند است. من می‌گویم سایر دوستان در دستگاه‌های دیگر نیز در سالی که سال اقتصاد مقاومتی است و باید ریال به ریال بودجه‌ها را دقیق مصرف کنیم، شفاف عمل کنند. شفاف یعنی چه؟ یعنی پروژه‌ای که می‌خواهد اجرا شود، از ابتدا روشن و شفاف باشد. دوربین بگذارند رویش و بگویند اعتبار این پروژه در اینجا این‌قدر است و این‌قدر نتیجه‌اش است. مانیتورینگ وقتی امکان‌پذیر است که تو خودت را شفاف کنی... .

رحیمی: بحثی وجود دارد و آن هم این است که بخش‌هایی از شهرداری که وارد بحث‌های آسیب‌های اجتماعی شده، به صورت نمایشی و مهربان همکاری می‌کنند، بعد بخش‌هایی که با این بخش‌ها در ارتباط نیستند، دقیقا دارند برخلاف منافع کودکان کار عمل می‌کنند؛ مثلا آن بچه‌هایی که ضایعات جمع می‌کنند، یک بحث است، بحث برخوردشان با دست‌فروشان وقتی یک دست‌فروش را می‌زنند می‌کشند، یک بحث دیگر است. خانواده آن دست‌فروش چه می‌شوند؟ الان آن دست‌فروشی که در منطقه ۱۸ با پنجه بوکس زده‌اند، پسرش کودک کار شده و دارد در خیابان میوه‌فروشی می‌کند. یعنی شما با این سیاستتان دارید یک کودک کار به چرخه کودکان کار اضافه می‌کنید. وقتی با دوستان صحبت می‌کنیم، می‌گویند اینها همه پیمانکاری است؛ یعنی مدیریت شهری نمی‌تواند پیمانکار خودش را مدیریت کند؟

بنی‌هاشم‌نژاد: نکته‌ای که مطرح شده این است که به نظر می‌رسد دستگاه‌ها در زمینه کودکان خیلی نمی‌توانند با همدیگر به توافق برسند. هم مقداری از لحاظ سیاست‌ها با یکدیگر هم‌فکر نیستند، هم به نظر می‌رسد که نهادی بالاتر از وزارتخانه لازم است که روی وضعیت کودکان در کشور نظارت داشته باشد.

کردونی: الان دو اتفاق خوب افتاده است. تقریبا در سه، چهار ماه قبل سیاست‌های حمایت از کودکان را به شورای عالی رفاه بردیم و کلیاتش را مصوب کرد. بعد از نشستی که مسئولان با مقام معظم رهبری داشتند درباره آسیب‌های اجتماعی، قرار شد تقسیم کار ملی انجام شود و هر دستگاهی مسئولیت یک حوزه را بر عهده بگیرد. یکی از مشکلاتی که تا الان داشتیم، این بود که دستگاه‌های غیردولتی به ما پاسخ‌گو نبودند.

دریچه

ارجاع دانش‌آموزان معتاد به بیمارستان

● **ایسنا:** دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان تهران با اشاره به اینکه در حال شناسایی و درمان دانش‌آموزان مصرف‌کننده مواد مخدر هستیم، اعلام کرد: بیمارستان مخصوصی برای درمان دانش‌آموزان معتاد در نظر گرفته‌ایم و درمان آنها را به صورت متمرکز انجام می‌دهیم. محمدرضا آذرنیا در نشستی خبری به مناسبت سالروز جهانی مبارزه با مواد مخدر در پاسخ به سؤالی مبنی بر راهکارهای مقابله با اعتیاد بین جمعیت دانش‌آموزی اظهار کرد: نرخ شیوع اعتیاد در مدارس کشور ۱.۲ درصد است و در این زمینه اقداماتی را آغاز کرده‌ایم. وی افزود: در حال شناسایی دانش‌آموزانی هستیم که درگیر مصرف مواد مخدر هستند. سعی کردیم مخفی‌کاری و پنهان‌کاری در این قشر را کنار بگذاریم. دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان تهران از تشکیل کمیته‌ای با حضور نماینده بهزیستی، آموزش‌وپرورش و دانشگاه‌های علوم پزشکی خبر داد و اظهار کرد: در حال کار روی این دانش‌آموزان و مشغول جداسازی‌شان هستیم تا آنها را تحت درمان قرار دهیم؛ البته این اقدامات به گونه‌ای انجام می‌شود که به درس آنها لطمه نخورد. بیمارستان خاصی هم برای درمان دانش‌آموزان مصرف‌کننده مواد مخدر در نظر گرفته شده است که اینها پراکنده نباشند و بتوانیم به صورت متمرکز برای درمانشان اقدام کنیم. آذرنیا همچنین درباره تغییرات قیمتی مواد مخدر در تهران در سال جاری اظهار کرد: امسال قیمت مواد مخدر تغییر چندانی نداشته است. دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان تهران با بیان اینکه تهران نهمین استان از نظر نرخ شیوع اعتیاد است، عنوان کرد: بیش از ۹۷ درصد مردم جامعه پاک هستند اما آلودگی همین سه درصد نیز جای نگرانی دارد. وی به موضوع آماده‌سازی خانه‌های بهاران از سوی شهرداری تهران اشاره کرد و گفت: قرار بود سال گذشته شهرداری تهران ۴۴ مرکز بهاران هریک با ظرفیت ۱۵۰ نفر آماده کند. امروز ۲۲ مرکز بهاران فعال شده و بیش از دو هزار نفر در این مراکز تحت بازتوانی قرار گرفته‌اند. مابقی خانه‌های بهاران نیز در حال تجهیز هستند و باید از شهرداری تهران برای این اقدام تقدیر کرد. وی در پاسخ به پرسشی درباره وجود سرب در تریاک گفت: نزدیک به دو هزار مرکز درمان سرپایی داریم که تعدادی از آنها از طریق متادون و تعدادی دیگر نیز از طریق شربت تریاک، امر درمان را انجام می‌دهند. متأسفانه مسمومیت با تریاک آلوده به سرب اتفاق افتاد و شایعه نبود و سه نفر جان خود را از دست دادند.دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان تهران درباره اموال بازداشت‌شدگان حوزه مواد مخدر جزئیاتی ارائه کرد و گفت: یکی از این فروشندگان که ۱۶۴ کیلوگرم شیشه در اختیار داشته و هنوز حکم او اجرا نشده است، یک شهرک مسکونی در شمال کشور دارد. همچنین ۱۳ واحد مسکونی و تجاری تحویل گرفته‌ایم، ۶۳ دستگاه خودروی توقیفی را با حکم قضائی و ۵۰ خودروی مصادره‌ای را فروختیم که این خودروها